قدرت‌های محلی و فرهنگ در فرانسه

*دکتر حجت الله ایوبی*

چکیده

رابطه قدرت‌های ملی و محلی از اقلای فرانسه تا به امروز موضوع روز فرانسه است. مناسبت قدرت‌های محلی و ملی و از سوی ویژگی‌های تراکم‌زا و اقلاییت، تراکم‌زا و اقلاییت، و قدرت‌های محلی و ملی را در فرانسه، تراکم‌زا و اقلاییت را در اقلای فرانسه سوسیالیستی تراکم‌زا و اقلاییت، شناسی و گرفت و قانون 1947 و قوانین معادلی که بعد از آن به تصویب رسیدند به تدریج قدرت را در لا ییای مختلف توزیع کرد. تقسیم قدرت بین دولت مرکزی و نماینده‌های دولت (تراکم‌زا و اقلاییت) و اغلب‌الزیادی اختیارات دولتی به نهادهای محلی متخصب مورد مانند، شوراهای شهر و شوراهای فردایی و بورژه شهروندی (تراکم‌زا و اقلاییت) تا حدی از شدت نظام متکثر، فرانسه کاست، در جریان مهیج انتخابات بود که بخش زیادی از امور فرهنگی به قدرت‌های محلی و اغلب‌الزیادی رسید. ویژگی‌های فرهنگی در اقلای فرهنگ کالیب‌آفتاب و اقلاییت فرهنگی بیشترین اختیارات امور فرهنگی به شهرداری‌ها که منتخب می‌شوند، اغلب‌الزیادی شد. فرهنگ مدنظر در شهرها از جای‌ها واقع به پرورندگر کشت و مدردان ساخت‌شناسی در اقلای فرهنگی اجتماعی، گسترش به سوی فرهنگی کردن شهرها روى‌الزیادی. فرهنگ و زندگی زندگی مردم این کشور به‌طوری‌که در هم‌تیبه که می‌توان نام «فرهنگ شهر» را به جای دولت شهرها، آن برای شهرهای فرانسه پیشنهاد کرد.

کلیدواژه‌ها

سیاست کالیب‌آفتاب، تراکم‌زا و اقلاییت، فرهنگ در فرانسه.

*استاد دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران*

1. Déco centralisation
2. Décentralisation
راه پر فراز و نشیب تمرکز‌دازی و تراکم‌دازی در عرصه فرهنگ

از زمان آندره مارو، نخستین وزیر فرهنگ فرانسه، مجموعه‌ای از اقدام‌ها به نام تمرکزدیاپی در عرصه فرهنگ آغاز شد. این اقدام‌ها را تمرکزدازی، تراکم‌دازی و یا هر چیز دیگر بنامی، راه را برای ایفای نقش بیشتر دیپارتمان‌ها در شهروها هموار کرد. با تشکیل خانه‌های فرهنگ، کتابخانه‌های استانی، مرکز آرشیو و بهره‌وری درک‌آمیت (سیویریت فرهنگی امور مناطق)، مقولة فرهنگ و هنر در بیرون پایین‌های جانی دوباره گرفت و نهادهای محلی توجه روزافزونی به مقولة فرهنگ ابراز کردند. توسعت برنامه‌های هنری، افزایش تعداد مراکز فرهنگی و هنری اعم از موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مانند آن، اداره امور فرهنگی شهرها و دیپارتمان‌ها را از پایین‌های دشوارتر کرد و شاید چاره‌ای جز واگذاری.

اختیارات بیشتر به نهادهای محلی بایستی نگذاشت (Poirrier, 2000).

برخی معتقدند، اندیشه تمرکز دیاپی در حوزه فرهنگی از اواخر قرن نوزدهم در عرصه تئاتر آغاز شد. در آن روزگار، اهلی فرهنگی فکر توسعت هنرهای نمایشی را بیرون از پاریس پیگیری کردند. این رویکرد تا نهایی گسترش تئاتر نمایشی، بکه خواهان شکل‌گیری نوع جدیدی از نمایشخوان‌های مردمی بو؛ «چرا که در پاریس و شهرستان‌های بزرگ، امکان، نمایش‌های باشکوه و ابزارها در می‌آید تحقیقات بورژوا بود و اساساً نمایش، هنری گران‌قیمت و اشرافی تلقی می‌شد. در این زمان این تفکر شکل گرفت که هنر نمایش ناچیز مردمی شود و نمایش‌های تولید شود که نسبی با علوم مردمی داشته باشد.

در سال ۱۸۹۵ تاسیس تئاتری به نام تناتور مردمی، در شهر بوسان در منطقه ووزئ می‌پذیرفت. از نخستین اقدام‌های مردمی کردنشان در عرصه فرهنگ بود. اقدام مهم دیگری که در تاریخ تناتور فرانسه از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، شکل‌گیری

1. DRAC
2. Bussang Vosges
تقدیر های محلی و فرهنگ در فرانسه

تأثیر ملی خیابانی در ۱۹۱۲ تا ۱۹۳۰ توسط فریش آست. تولید نمایش‌های مدرنی و ساده نمایش‌های توسط زاک کویین نیز در همین سال‌ها رخ داد. مجموعه این رخدادها موجب شد هنرمند نمایش‌های آگوست خود را برای افتتاح مختلف بار کند و با هنرمندان نمایش به شهرها و حتی روستاهای نیز بررس (6: ۲۰۰۵). به بیانی دیگر نمایش‌های ساده، با دکورهای ساده و موضوعات مدرنی تولید شد. بی‌سیبی از میان گذری از بافت‌آلات نیز توانستند بذرای هنرمند نمایشی شوند. در سال ۱۹۳۸ گزارشی به دولت فرانسه ارثال شد و ضمن بررسی اقدام‌های انجام شده برای میرمی کردن نمایش، بی‌پروری، تولید نمایش‌های ساده و مدرنی جهت اجرای شهرهای مختلف تأکید شد. در دوران حکومت ویلیام، به رغم شعارهای تمرکزدازی دولت، عرضه بر هنرمند نمایش‌های تئاتر شد و از این سال تئاتر مورد بی‌مهری دولت قرار گرفت. (Poirrier، ۲۰۰۱)

در سال‌های پس از جنگ (۱۹۴۵ تا ۱۹۵۲)، در عرصه نمایش افتخاب دیگری رخ داد که تمرکزدازی را در آن تهیه‌بند کرد. طی سال‌ها، نخستین مراکز دراماتیک ملی در شهرهای تأسیس شد. به یکین این سیاست‌ها، نمایش دراماتیک در شهرهای رن، تولوز، استراسبورگ، سنتری و اکس آن پروانس اجرا و پایه‌گذاری شد. بی‌سیبی از این سال، تمرکزدازی در عرصه تئاتر به ادامه داشت. (Perret & Saez، ۲۰۰۴)

موج دوم تمرکزدازی هنری، از سال ۱۹۳۱ با تأسیس خانه‌های فرهنگ آغاز شد. آخونده مالار، با تأسیس خانه‌های فرهنگی در سال ۱۹۳۱ از این ا FloatingActionButton افزایش هنری را بدون واسطه و به سادگی در معرض دید همکاران قرار داد. تشکیل خانه‌های فرهنگ، موزه‌ها و کتابخانه‌ها کمکی شایانی به سفری به هرچه بیشتر مورد به آفریده‌های هنری و فرهنگ‌های کرد. در این دوران زن‌دان دوگل، با اعلام سیاست آمیش سرزنشی، گام‌های مؤثری برای توزیع بهینه امکانات در شهرهای مختلف برد. (Ory، ۱۹۸۹: ۲۰-۱۵)

1. Théâtre national ambulant، Théâtre nationale populaire
2. Firmin Gémier
سومین موج تمرکزدازی با اقامتی که به سیاست منشور فرهنگی شهرت یافت آغاز
شد. در ۱۹۷۲ میلادی، وزیر فرهنگ وقت، اعلام کرد که شهرهای مختلفی باید توانستند
در صورت تمایل، منشور فرهنگی پیشنهادی دولت را امضا کرده و در هر زبان‌ها و
مدیریت امور فرهنگی خود با دولت سهمی شوند. هدف از اتخاذ این سیاست، توسیع
تمکزدازی به عرصه‌های مختلف فرهنگی، هنری و دخالت دادن هرچه بیشتر شهرها
در این امر بود. بهین ترتیب شهرها و مناطقی که می‌توانند به گسترش فعالیت‌های
فرهنگی شان بودند از کمک‌های ملی دولت برخوردار شدند. این سیاست بعدها توسط
راک لانگ، وزیر فرهنگ دولت فرانسه مشترک ادامه یافت. وی سیاست خود را
قرارداد برای توسیع فرهنگی نامید (۱۹۹۶)。

بنا برای آن که در این دوران به نام تمرکزدازی انجام شد، چیزی جز موج
دموکراتیک کردن هنر نبود. اقدامات صورت گرفته راه را برای تمرکزدازی، به معنای
واضح کلمه به‌معنی کاهش تصمیم‌گیری دولت، هموار نمود؛ چرا که در اثر این اقدامات
شهرهای مختلف به‌صورت نهادهای فرهنگی نارنجی شدند که دیگر ادارات آنها از سوی
دولت مرکزی عملی نبود. این‌طوری روی‌رفت امور فرهنگی در شهرها کمک این اندازه‌
را برای مولتی‌امور در لایه‌های محلی انجام کرد که باعث برای فرهنگ جایگاهی
مناسب و واقع در ساختار مدیریتی پیش‌بینی‌کرده.

نمازی‌دان مرتضی نیز دریافتند که حداکثر برا ی باین ماندن بر مناصب خود، تنها واراند
به‌طور گسترده از امپراتور فرهنگی را نادیده بگیرند. به عقیده دیگر، فرهنگ آرام، چون آن‌ها
زوال در دل شهرها و روزه‌ها، نه‌ها و روده‌های آفرید و جای خود را در زندگی
روزمره مردم باز کرد. تشکیل معاون‌های فرهنگی شهرداری‌ها از دیدگاهی به این واقعیت
و راهی برای نهاده‌ی کردن تمرکزدازی فرهنگی بود (Moulinier, ۱۹۹۵).

1. Michel Guy
2. Jacques Langue
3. Urfaflno Philippe
مراقبت‌هایی که در سال‌های نخست تاسیس وزارت فرهنگ فرانسه دارد،
وی می‌توانست ان‌رنش را قبلاً آغاز آن را به‌عنوان واقعی از ۱۹۸۲ یعنی دوران وزارت زاک
لانگ، جستجو می‌کند.
قانون مصوب دوم مارس ۱۹۸۲ آرمان کمیونها، دبیرمانها و مناطق را به رسمیت
شناسانه و چگونگی عملکرد نهادهای ملایی را تعیین کرد. براساس قانون ۷ زانویه و
۲۲ زوئه ۱۹۸۲ دولت رسمی‌باره‌ای از صلاحیت‌های خود را به نهادهای ملایی واگذار
و قراردادهایی را با مناطق به امضا رساند (Ibid).

با این وجود زاک لانگ نسبت به تعویض اختیارات زیادی به شهرها مراجعه بود و برای
واکری به‌عنوان قانون اساسی، شهادتی‌ها و دبیرمانها از اختیارات کافی
برخوردارند و افراد اختیارات ضرورتی جنگی ندارند. این گفتگو زاک لانگ که: "اما در
کشور ۲۴ وزیر فرهنگ داریم، زبان‌زده است. ولی زاک لانگ در خصوص واگذاری
کتابخانه‌های مرکزی دبیرمانها و مراکز استاد به آنها تردیدی نداشت و در دوران وزارت
(۲۰۰۵، ۱۴۵: Rizzardo)
خود به این امر می‌پردازد و زاک لانگ برای مسایلی است که زاک لانگ رویکردهای سنتی به‌طور کلی داشت و
بیشتر به‌طور کم‌درمانی و نه تنها می‌اندیشید. به بیانی دیگر، او هم چنین مالاله بیشتر در
اندیشه‌های دموکراتیکی قرن‌های گذشته و هنر بود. به‌همین‌روی، صندوق مناطق هنر‌های
مدرس، یا فراکس و صندوق مناطق امور موزه‌ها یا فرام‌ها را تأسیس کرد.

زاک لانگ برایب بود که در حین مرکزی داشت، وزارت
فرهنگ سیاسی کاوش‌های گرفته است، و جمله معروف اینکه ما در کشور
۲۴ وزیر
فرهنگ داریم، و نشان دهنده این نگرانی است. لانگ کوشید نقش دولت را دوباره تعیین

1. FRAC: Fonds régionaux d’art contemporain, & Fonds régionaux d’acquisition des musées
2. FRAM
فقرت های محلی و فرهنگ در فرانسه

بEGIN ترکیب، دولت فرهنگی به معنای واقعی شکل گرفت و رابطه دولت، مناطق و دیارمانها به سامان شد. دولت با ترکیب بودجه مناطق و دیارمانها به بار افزایش وی، کتابخانه‌ها، سالن‌های سینما و برگزاری برنامه‌های فرهنگی کمک کرد. در مقابل، منصول محلی هم با هماهنگی با درک، به سیاست‌های کلی دولت در توسعة فرهنگی مناطق توجه نشان دادند. با توجه به همبستگی روزافزون نقش فرهنگی و روزیکرد نمایندگان شهرها، امور فرهنگی روشن قابل توجهی یافته و براساس تصمیم متخذه مناطق وارد قراردادهای جدید با اتحادیه اروپا برای توسعت متعیین‌های فرهنگی شدند. بنابراین عامل جدیدی برای توسعت امور فرهنگی مناطق به نام اروپا وارد عرصه شد و مناطق توانستند از بودجه‌های اروپایی در توسعت امور فرهنگی بارز گردد.

روزنامه فرهنگی و هنر در مناطق به تدریج بازیگر دومی به نام وزارت خارجه را وارد این عرصه کرد. سازمان آفریقا، که واپسین به وزارت خارجه است و برنامه‌های فرهنگی فرانسه را در خارج از مرزها سامان می‌دهد، این مناطق و دیارمان‌ها، وارد همکاری شد. هدف آفریقا، سامان‌دهی ارتباطات فرهنگی مناطق در خارج از مرزها است.

رویکرد‌های نوین به تمرکزگرایی

در سال ۲۰۰۱ دولت لیونل رژسین، سیاست جدیدی را برای تمرکزگرایی و آمایش سرمایه‌ای اعلام کرد. بر اساس سیاست جدید اعلام شد مناطق می‌توانند داوطلبان قراردادی با دولت برای انجام امور فرهنگی به امضا رسندند. براساس این قرارداد، دولت در زمینه معتقدات فرهنگی و آموزش هنری اختیارات ویژه به مناطق بخشید و اعلام کرد حاضر است بخشی از صلاحیت‌های خود را در این عرصه‌ها به کلی واگذار نماید. تعدادی از مناطق این قراردادها را امضا کرده‌اند و از اختیارات بیشتری در امور فرهنگی بهره‌مند شدند.

1. AFFA, Association française d’action culturelle.
پس از بررسی های مختلف برای واگذاری هر چه بیشتر قدرت به نهادهای محلی، هشت پایگاه به عنوان نمودن انتخاب شدند، که شش مورد به میراث فرهنگی اختصاص یافت. در قراردادی که بین وزارت فرهنگ و رئيس شورای مناطق به اساس رسمی، اداره امور و ریاست پایگاه‌های میراث فرهنگی به مناطق واگذار شد. در این مناطق نمایندگی‌های اعضا از سوی دولت در حفظ و نمایش میراث در مناطق قرار گرفتند و از صلاحیت دولت مرکزی خارج گردید. طبعی است که هر میراث به ارزیابی و تشخیص میراث فرهنگی در انتخاب این تصمیم بی‌تأثیر نبود و دولت به دنبال راهی برای این پروتکل از این مشکلات نبود. دو منطقه نیز برای تمرکز دادی در امر آموزش انتخاب شدند.

در همین راستا دولت زان پر رفتن در دوره نخست وزیری آقای شیرازی، نیز دست به سلسلهای از اقدام‌ها به نام تمرکز دادی‌پذیر فرمان روز از زان زاک اکیون، تصمیم گرفت در شهر مس موزه زرتشتی‌های دومی وابسته به مرکز اصلی در پارس تأسیس نماید. هدف اصلی از این اقدام رفع محرومیت شهر مس در امور فرهنگی اعلام شد. بررسی تأسیس موزه لور شماره ۲ در شمال فرانسه؛ تأسیس شعبهای از موزه تاریخ مس مس در مارسی و اقدام‌هایی از این دست در این دوران به نام تمرکز دادی‌پذیر اعلام شد. همان‌گونه که سری نیز معتقد است، این ابتکارها را نمی‌توان تمرکز دادی‌پذیر نامید: چراکه تمامی این مراکز شعبه‌ای از مراکز فرهنگی در پارس بوده و هم‌اکنون از مرکز سامان می‌باشد. یکی از شعبه‌های کاربردی در این اهداف دارد و وزیر فرهنگ کنونی فرانسه، خانم کریستین آلباله، نیز یکی از سیاست‌های دولت نیکولا سارکوزی را برداخته‌اند که به بیشتری به امور فرهنگی و آزادی عمل پرداخته‌اند.

محلی در این هر عرصه اعلام کرده است.

پس از بررسی اجتمایی، دولت به مدیریت امور فرهنگی در لایه‌های محلی انتخاب به حدود اختیارات لایه‌های مختلف قدرت در این کشور می‌پردایم.
قدرت‌های محلی و فرهنگ: بازیگران عرصه فرهنگ

نهادهای قدرت محلی در فرانسه بر اساس تقسیم‌بندی جغرافیایی و اداری توزیع شده‌اند. این کشور در حال حاضر به چهار بخش اداری تقسیم‌شده و هریک از این بخش‌ها در حقیقت حوزه‌هایی برای اجرای قدرت‌های محلی و اداری است. کمون (شهر) دیارمانان (شهرستان)، منطقه‌ای (استان) و سرزمین‌هایی آن سودا دریا، چهار بخش تقسیمات جغرافیایی سرزمین‌گلها در روزگار کنونی را تشکیل می‌دهند. بر اساس آخرين قانون اساسی فرانسه، اداره امور این بخش‌ها به نهادهای محلی و اداری اختصاص‌بندی شده و این نهادها از قدرت و انتخاب فردی در مقایسه با گذشت به‌خوردارند (بدن ۲ ماده ۷۷ قانون اساسی). این خدایی که در نتیجه فراپیده طولانی و بر فراز و فرد حاصل شده است (Peiser, 1998: 99). میزان اختیارات هریک از این بیکن‌های محلی را در امور فرهنگی مناسبات قدرت‌های محلی و محلی را به خوبی تررسیم می‌کند.

مناطق (استانها): سیاست‌گذاری‌های کلی و ترغیب آفرینش‌های هنری

منطقه‌ای را از نظر جغرافیایی می‌توان با استان‌های کشورمان سنجید. با‌التبین مقام سیاسی و اجرایی منطقه‌ی پر فره نام دارد. مناطق بیکان‌اداری نوبایاند و ریشه در قانون ۱۲ مارس ۱۹۶۴ این کشور دارند. پش از این، بزرگ‌ترین بیکان تقسیم‌بندی دیارمان‌ها بودند. بر اساس قانون یاد شده چند دیارمان در حوزه‌های گسترش‌تری به نام منطقه‌های گرفتن‌د. پر فده منطقه‌ی نماینده تامالاتخیار نقسم وزیر و هیئت وزیران در حوزه‌های خود به شمار می‌روند و ریاست شورای اداری. هشت کارگروه گرچکون و نهادهای مختلف منطقه‌ی اعده‌دار است. یکی به عنوان بالاترین مقام داخلی‌سیاسی محلی بر اجرای قدرت در همه سطوح نظام‌نظامی و پیش‌پا بزرگ‌نظامی و پیش‌پا نظام در حوزه‌های انتدار او جای می‌گیرد (Peiser, 1998: 99).

1. Art 72, al. 1 de la constitution
2. Art 72, al 2 de la constitution
گفتگوی شد که مناطق یکی که نوا هستند بیش از این به شمار می‌آیند؛ به همین دلیل نهادهای برخاسته ارزان
یکان در آغاز کار با مقاومت و سختی‌های فراوان روبرو بودند. اما گذشته زمانی از این
دشواری‌ها کاست و به تدریج مناطق به یکپارچگی درخور در تقسیمات کشوری دست
پایند. در سال ۱۹۷۲ مناطق همواره یک نهاد متمرکزی و عمومی به رسمیت شناخته
شدند و سرانجام در سال ۱۹۸۵ با انتخابی شدن اعضای شورای منطقه (شورای عمومی)
مناطق یکپارچه بالاتری را در تقسیمات کشوری به دست آوردند (60: 2005: 1).

شورای منطقه بر جستجوی نهاد انتخابی تصمیم گیرنده از این جهت از این انوازه است. اعضای
این شورا با آرا مستقیم مردم انتخاب و رئیس شورا در بالای هرم قدرت اجرایی در
منطقه قرار می‌دارد. کمیته‌های انتخابی و اجتماعی، دو نهاد مهم برخاسته از شورای منطقه‌اند
که اداره آمر مخلص را در این عرصه به چاپ دست می‌بندد. از این ۱۹۸۵، شورای منطقه با آرا مستقیم مردم و به مدیر سال برگزیده
می‌شود. پس از این یک شورا مشخص می‌شود که از نمایندگان منطقه، سنا در پرداخته، بخش و
شهرداران شامل می‌شود.

شورای منطقه از جنبه‌های گوناگون شبیه شورای عمومی دارای فردی‌های و تعداد
اعضای این شورا است. که به تعداد نمایندگان که هر شورا دارد. با استفاده از هر
دستوری می‌شود که هر
نام نماینده، هر که دارای هر ناهد با نام کاندیداتورا تحقیق می‌شود و هر کاندید
نار نماینده، هر شورای انتخابی و در نتیجه به شورای منطقه می‌فرستند. شورای منطقه در
حقیقت یک شورای فردی است که به شورای عالی استعفاهای ایران قابل مقایسه است.

شورای منطقه از میان مخالفان، رئیس شورا را به عنوان بالاترین مقام اجرایی منطقه
که مسئولیت اجرای مصوبات شورا را عهده‌دار است، بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. براساس قانون ۲
می‌آوره‌های اجرایی مصوبات شورا را عهده‌دار است. بر می‌گردد. برای انتخاب اجراهای

1. Conseillers Généraux
قدرت‌های محلی و فرهنگ در فرانسه

 المنطقة را در انتخاب دارد و اوست که صورت هری‌ها را تعيين می‌کند. از جمله
 انتخابات رئيس شورا اداره می‌باشد فرهنگی منطقه، تشکیل جلسات شورا و ساماندهی
 امور متونه‌ای است. عقب‌نشینی برخی از عالی‌ترین مقام‌های سیاسی انتصاب در مقابل رئیس
 شورا که برخاسته از نهادی انتخابی و مردمی است گواه نلاش فرانسوی‌ها برای
 تمرکزدایی و واگذاری امور به قدرت‌های محلی است.

 اما همان‌گونه که گفته شد، پرفه نماینده رسمی دولت در منطقه است و به نمایندگی از
 دولت مرکزی تمام نهادها و سازمان‌هایی که به وابسته به دولت‌الاند اداره می‌کند، پرفه و
 همکارانش بر دستی اجرا امور در منطقه نظرات می‌کند. آن‌ها انتخابات مهمی، به‌ویژه در
 امور آموزش سرمایه‌ای، دادن و ناش هماهنگی بین پرفهای دارالمانها و دستگاه‌های مختلف
 را بر عهده دارند. از جمله وظایف مهم پرفه هماهنگی امور فرهنگی در سطح منطقه است.
 پرفه منطقه ریاست شورای اداری را نیز بر عهده دارد. این شورا مركز از پرفه‌های
 دارالمانها یک منطقه، رئیس شورای عمومی و برخی از نمایندگان وزارت خانه‌های
 مختلف است. این شورا وظیفه هماهنگی اقدام‌ها در سطح منطقه را بر عهده‌دار است و
 نقش و وظیفه دولت را در امور مختلف تعیین می‌کند.

 تا قبل از ۱۹۸۲، انتخابات مناطق نهای در امور اجتماعی و اقتصادی خلاصه می‌شد. اما از
 این تاریخ، به‌خیصی از امور فرهنگی نیز در حوزه انتخابات مناطق قرار گرفت و بر
 انتخابات مناطق افزوده شد و شورای منطقه و رئیس شورا نیز جایگاه بالاتری نسبت به
 گذشته داشتند. به‌موجب این قانون مستقل منطقه می‌توانند به اتکار حوزه از شرکت‌ها
 و طرح‌های مختلف حمایت مالی نموده و برای آموزش سرمایه‌منشین منطقه خود
 برنامه‌ریزی کنند. پیش‌تر امور فرهنگی در حوزه انتخابات مناطق نبود و تنها دارالمانها
 و به‌ویژه شهرها در این عرصه فعال بودند (Djian, ۲۰۰۵).

 همان‌گونه که گفته شد مناطق یک‌ها جغرافیایی نوظهورند و پیش‌تر در این
 کشور قدرت‌های محلی در شهرها و دارالمان‌ها جریان داشت. یکی از تفسیرین
مشکلات بیش روی مناطق این بود که هویت جدیدشان به رسمیت شناخته نمی‌شد و بنا بر سنت دیرپای این دیار مردم به فرهنگ دیپارتمان و شهرداران به عنوان قدرت‌های محلی خو کردند. این مشکل هم چنان وجود دارد و مردم به سربزمنی هریت محلی خود را پیش‌تر در شهر و دیپارتمان خود می‌جویند نه در مناطق. کارشناسان سیاست‌گذاری فرهنگی فرانسه براین بواردن که یکی از مهم‌ترین دلایل توجه مدیران محلی به فرهنگ را باید در همین راستای جستجو کرد. مناطق از راه برگزاری جشنواره و پرداختن به امور فرهنگی در تکابلوی پافتن هویت در خور بارای خوشی‌ها و فرهنگی یکی از بهترین راههای این ابزار وجود و اعلام هویت است (Poirrier, 2000).

آمیش سربزمنی در عرصه فرهنگی، سیاست‌گذاری‌های کلان، آموزش‌های حرفه‌ای هنری و امور به مربوط به اقتصاد فرهنگی نهایی از عرصه‌های اقتصاد فرهنگی مناطق‌بند (2002). به باور رهبر دیپارتمان، مناطق می‌کوشند با اجرای برنامه‌های فرهنگی نشان دهنده که تئوری سنادی برای توزیع منابع نیستند و خود می‌توانند در امور فرهنگی بیش از این ارگان باند (Binet, 2000).

با چنین رویکردها قوانین مربوط به آمیش سربزمنی انتی‌بیشتری را به مناطق وارگذار کرد. براساس قانون ۱۲ دوی ۱۹۹۹ شوال، مناطق اجاق‌های باند در شهرها برنامه‌های فرهنگی اجرا کنند. رئیس‌داری یکی از دلایل روزی افزایش قدرت‌های محلی به فرهنگ را «فزایش اتفاق عموی» می‌دانند. از دهه هشتاد اقتصاد مختلف مردم خواهان مشارکت در برنامه‌های فرهنگی اند. نماینده‌گان محلی در برخی این موضوع جذور تسنیم ندارند و به این ترتیب ارائه‌های همنامی برای اعتماد قدرت‌های محلی به امور فرهنگی شکل می‌گیرد (Rizzardo, 2005: 144). در نتیجه مناطق که برگ‌ترین بیکان تقسیم‌بندی مدیریتی در این کشورند، در فرانسه تمرکز‌دای اختیاراتی از امور فرهنگی پابرهبی از اختیارات دولت مرکزی را بر دوش گرفته‌اند. اما همان گونه که نشان 

1. Jean Pierre Chevèneement
قدرت‌های محلی و فرهنگ در فرانسه

داده‌های خواهد‌شد، اساساً نهاده‌های برخاسته‌ای مناطق، دارای قدرت اجرایی چندانی نیستند.

و قدرت‌های اجرایی و اداری بیشتر در لایه‌های پایین‌تر تنشیپس‌های کشوری یعنی دیاربانانها و شهرها در جریان است. این قدرت به‌ویژه در امور فرهنگی به‌کمترین مقدار خود کاهش می‌یابد. در ۱۹۹۶، مناطق‌های ۲/۳ درصد از بودجه‌های خود را صرف امور فرهنگی کرده‌اند. بودجه ناچیز مناطق در امور فرهنگی، بهترین گواه بین این است.

که به رغم تلاش‌های صورت گرفته هنوز فرهنگ جایگاهی در خور توجیهی در مناطق ندارد.

با این همه فرهنگ همچنان یکی از حوزه‌های عمل و اختراعات مناطق است.

مهمترین سوگیری فعالیت‌های فرهنگی مناطق جنایت از خلق‌های هنری، تولید و آریایی‌های هنری و توزیع و پخش آنهاست. در بین رشته‌های گوناگون هنری، توجه اصلی و عمده معطوف گسترده‌ترین است. این وظیفه مهم مناطق را نهاده‌های حرفه‌ای و دیپره‌ها و دامنی جشن‌خوان‌ها بر عهده دارند و معمولاً در این خصوص از حمایت‌های دولت مرکزی از طریق دراک برخوردار می‌شوند. نگهداری موزه‌ها و میراث فرهنگی، نسبت به آریایی‌های هنری در درجه دوم اهمیت فوار دارد. کمی بعد خواهد آمد که در تفصیل مشت‌لی‌که بین قدرت‌های محلی صورت گرفته، امور موزه‌ها و میراث فرهنگی به دیاربانانها و اکثریت شهرها است.

با این همه مناطق همچنان در تلاش‌اند ابزار عمل را در برنامه‌های مختلف فرهنگی به دست‌گیرند. برخی مناطق در کنار نقش‌های سنتی یکی نشستند در حوزه‌های نو مانند فرهنگ علمی و فناوری، مدرسه‌سازی، تولیدات و جشن‌های‌های سینمایی نیز نقش مهمی را بر عهده گرفته‌اند. در مناطقی که هیچ‌یاکی قومی و نژادی از اهمیت فراوانی برخوردار است، همچنین نقاط آلبالو برتانی، برنامه‌های فرهنگی قومی و زبانی در اولویت قرار گرفته و مناطقی از راه فرهنگی هموی قومی، خود را پاس دارند. با توجه به اینکه در بسیاری از کشورهای اروپایی، مناطق نقش
مهمی در امور فرهنگی دارند در فرانسه هم به تدریج رویکرد مناطق به امور فرهنگی افزایش یافته است. برخی از مناطق از طریق دیپارتمان‌هایی که در اختیار دارند و برنامه آموزشی و دوره‌هایی که در رشته‌های مختلف فرهنگی و هنری برگزار می‌کنند در تلاش‌اند فرهنگ را در متن برنامه‌های خود جای دهند.

دیپارتمان‌ها: پایداران از میراث فرهنگی و موزه‌ها

برخلاف مناطق که نو ظهوراند، تقسیم اداره سرزمان گل‌های به دیپارتمان سابقه‌ای دیرینه دارد و مردمان این دیپارتمان از ۱۸۷۱ این یکان اداره را به خوبی می‌شناسند. بر اساس قانون ۱۰ اوت همان سال، دیپارتمان‌ها تشكیل شدند. بالاترین مقام سیاسی دیپارتمان‌ها بر قانون نام دارد و تا قبل از قانون تمرکز دایری، هر قانون عنوان نماینده دولت از اختیارات گسترش‌های برخوردار بود. براساس قانون ۲ مارس ۱۹۸۲ بیشتر اختیارات برخورداری دیپارتمان به رئیس شورای دیپارتمان واگذار شد. این اقدام فرانسوی مبنی بر ایجاد حقیقی از خواست‌های اساسی قشر گسترش‌های از طرفداران جناح چپ بود که خواهان قدرت گرفتن نهادهای انتخابی و تقسیم قدرت بین دولت مرکزی و مردم بودند.

شورای دیپارتمان مجله‌ای است مکتب از نماینده‌گان منتخب از هر کانون که اداره امور ۱۰۰ دیپارتمان فرانسه را برعهده دارند. کانون‌ها واحدهای وابسته به دیپارتمان‌اند و هر کانون، صرف نظر از تعداد جمعیت خود، یک نماینده به شورای دیپارتمان می‌فرستد. اعضای این شورا به مدیت مشال انتخاب می‌شوند و نظام انتخاباتی به گونه‌ای است که هر سال، نیمی از اعضای آن به پایان دوره خود رسیده و تغییر می‌یابند.

شورای دیپارتمان از اختیارات فراوانی برخوردار است و اداره نهادهای عمومی، میراث فرهنگی و برخی دیپارتمان‌ها در عهده‌دار است. شورا می‌تواند به دولت پیشنهاداتی
قدمت من المحلي و فرهنگ در فرانسه

برای اداره امور محلی و حتی ملی ارائه کننده (پخشش و ۱۳ زویه ۱۹۷۰) هم چنین قانون تمکنزدایی اختیارات فراوانی، به‌ویژه در عرصه امور فرهنگی، به‌نهاه‌های انتخابی در دیارتمان‌ها و اگذار کرده است.

فرانسه دارای ۱۰۰ دیارتمان است که چهارتای آن به دیارتمان‌های آن‌سوی دریاهای مرتبه می‌شود. همه دیارتمان‌ها از نظر قانون اساسی فرانسه به رغم جمعیت‌های نابرابر از اهمیتی یکسان برخوردارند و به گفته زان ماری پس در فرانسه تمکنزدایی دیارتمان‌ها پیروز واقعی می‌باشد (Becet, ۲۰۰۵: ۶۸).

از نظر تاریخی، شهرها پیشگام روى آوردن به فرهنگ‌هایان؛ اما به تدریج مسئولین دیارتمان‌ها هم خود را با این موج نو هم‌نوا کردن و به فرهنگ‌های روى خوش نشان دادند. به‌رغم سیاسی محلی به این نتیجه رسیدند که توسعت دیارتمان‌ها در گرو فرهنگی است و از پرداختن به امور فرهنگی گریزی نیست.

ریزاردود دخالت دیارتمان‌ها در حوزه فرهنگی را پیشتر در امور زیر می‌دانند:

آموزش‌های هنری به‌ویژه در زمینه موسیقی، پاسداری از میراث فرهنگی، توسعه امکانات فرهنگی در روستاهای و شهرهای کوچک و محروم‌تر، ایجاد امکاناتی برای دسترسی اقشار مختلف اجتماعی در برنامه‌های فرهنگی (Rizzardo, ۲۰۰۵: ۴۴). در مقایسه با مناطق و دیارتمان‌ها از بودجه، امکانات و اختیارات پیشنهادی در امور فرهنگی برخوردارند؛ اما درصد بالایی از برنامه‌های فرهنگی در این کشور در شهرهای اصلی از نظر جمعیت، بر اساس قانون تمکنزدایی، به دیارتمان‌ها واگذار شده که بخشی از آن بالای نهایت اداره می‌شود.

می‌توان کفت به‌ویژه افزایش فعالیت‌های فرهنگی در سراسر کشور، نقش دیارتمان‌ها در مقایسه با گذشته روند کاملاً است. یکی از دلایل مهم این کاهش نقش در کاهش شدن بیش.

۱. Décret du ۱۳ juillet ۱۹۷۰
۲. مارواه بحار
۳. Jean Marie Beéét
از بیش شده‌ها بوزه شهرونه‌ی بزرگ از دوره فرهنگی است. به همین دلیل، امور فرهنگی
در دارالفنینه که پیشرفت ساخته روتاکیان‌آن‌ه، به دلیل نبود شهرونه‌ی بزرگ و مهم،
همچنان در اختیار دارالفنینه‌است. در مقابل در دارالفنینه‌های شهره‌تر، این امور پیشرفت
در اختیار شهرونه‌های و دارالفنینه‌ها بازیگر اصلی امور فرهنگی نیستند.

همان‌طور که گفته شد، از ۱۹۸۲، بیشترین اقدامات فرهنگی دارالفنینه‌ها در امور
میراث فرهنگی خلاقه‌ه می‌شود. بیشترین بودجه فرهنگی دارالفنینه‌ها صرف نگهداری و
پاساپاتی بنیاد میراث فرهنگی و تأثیری است که بر اساس قانون تمرکز‌دایی به آنها
و اگذاری شده. اموزش هنری و فعالیت‌های تماسی هم به‌طور در مبدی نه‌ی امور
فرهنگی دارالفنینه‌ها گرفته و جنگی است که در دستورکار شهرهای دارالفنینه قرار
گرفته است. فعال شدن دارالفنینه‌ها در موسیقی، اداره موزه‌ها و هنرهای نمایشی موجب
شد امور فرهنگی در ساختار سیاسی و اداری دارالفنینه از اهمیت ویژگی برخوردار
شد. تلاش‌های دارالفنینه، با تشکیل مدرک کتاب‌های امور فرهنگی، اداه ان مدعی را عهد‌داد. در
و روز به روی اهمیت این مدرک‌ها که واپسته در عرصه‌ای فرهنگی‌آمیزه‌دار
می‌شود. باز هم بر اساس قانون تمرکز‌دایی اداره امور مراکز اسپارسی (آرشیوی)
کتابخانه‌های مرکزی دارالفنینه به شهرهای و اگذاری شده. اگذاری اداره این دو نهاد مهم موجب
شد بر آهمیت مدیریت امور فرهنگی در دارالفنینه به‌دلیل افزوده شود.

1. بررسی از دارالفنینه‌ها به چند بخش تقسیم می‌شود که در این نمایشگاه قرار گرفت، نمایشگاه قرار گرفت، در جوهر
معاون اینست و مهمترین وظیفه‌های مهم‌تری با نمایشگاه ملکی و دانش‌های مورد آنها و کمک به پرداخت
انجام وظیفه نمایشگاه دو جزء از این حوزه‌ها نمایشگاه و جوزه‌های دیگر هرگونه‌ای نیست. در
بخش‌های بعد از انتقال قرار گرفته، قرار ذکر شده است. به همین گونه، نمایشگاه کتابخانه‌های مرکزی،
کتابخانه‌های مرکزی دارالفنینه به شهرهای و اگذاری شده. اگذاری اداره این دو نهاد مهم موجب
شدن شده. این امور فرهنگی در دارالفنینه به‌دلیل افزوده شود.
کمون یا شهر: فرهنگ شهرهای جدید به یاد دولت شهرهای کهن

کمون یا شهر تها جوزه مهم تقسیمات کشوری است که در فرانسه تمرکزدایی بخش‌های مهمی از قدرت دولت مركزي بدان و اگذار شده ولی ریاست آن از طرف دولت منصوب نمی‌شود و در راس آن نماینده منتخب مردم قرار دارد. شهردار ب عوامل نماینده برخورداری، سپاریز از امور مدنی از جمله قضایی و امور مربوط به اتباع خارجی را عهده‌دار است. قانون آوریل 1881 اداره امروز کمون‌ها را به شهرداران و شهرهای شهر و اگذارکره و آزروی دیگر فرانسوی‌ها را برای استقلال هرچه بیشتر قدرت‌های محلی در شهرهاشان برآورده کرد.

کمون مفهومی دیرآشنا برای مردم فرانسه است و مهمترین یکان تقسیمات کشوری در این کشور است. قانون 5 آوریل 1864 همچنان منشور مهم کمون‌ها به شمار می‌آید. براساس قانون 1892 که این منشور را بر دیگر مورد تأیید قرار داد، شهردار و شهرهای شهر از مهمترین نهادهای اداره کننده شهرها فلسطین شده و 7878 کمون اساس زندگی اداری و مدنی را در این دیار تشکیل می‌دهند.

تعداد اعضای شهرهای شهر، متناسب با جمعیت آن، بین 9 تا 99 نفر است و اعضای آن از راه مراجعت مستقیم به آرای عمومی به مدت شش سال برگزیده می‌شوند. به موجب قانون، شهرهای شهر بسیار مهم بار مسئولیت به تشکیل جلسه‌های این بی‌رفه، شهردار و نماینده از اعضای شورا می‌توانند جلسات فوق العاده را باشد و ضرورت درخواست نمایند. شهردار ریاست و اداره جلسات شورا را بر عهده دارد. تصمیمات گرفته شده در شوراهای شهردار نیز لازم اجرای است. شهردار، به نخستین جلسه شورای شهر، به عنوان بالاترین مقام تصمیم‌گیرنده شهر انتخاب می‌شود. شهردار علاوه بر نماینده کمون، نماینده دولت نیز به شمار می‌آید و خود را مجزی دستورات قدرت ملی نیز می‌داند. بدين ترتیب، شهردار را می‌توان پرچم
شهر دانست، شهردار معاونین خود را از میان اعضای شورا و با موافقت آنها برمنگزیند.

البته شهر جزئی برگ پارس، لیون و مارسی از موقعیت ویژهی برخورداند. این شهر هرکدام درست مانند کانکون یک حوزه انتخابی به شمار می‌آیند. اما در شهر مارسی که 9 منطقه را در خود جای می‌دهد، هر یک از مناطق به حوزه انتخابی‌نامه مجموعه‌ی منتخبین مناطق، شوراهای این شهر را تشکیل می‌دهند. شهر پارسی 163 شورای شهر لیون 101 و شورای شهر مارسی 73 عضو دارد. شوراهای شهرهای پاک استدیه شهردار و معاونین را از بین منتخبین خود برای مدت شش سال برمنگزیند. به همین ترتیب شوراهای مناطق شهرداران منطقه‌ی خود را برمنگزیند.

با آن چه گفته شد می‌توان دریافت که پایه و اساس قدرت محلی در فرانسه را با این شهرهای آن جست. چرا که نه در این شهرهای است که بسیاری از انتخابات دولت به نماهنگان مردم و اگذار شده است. بدین ترتیب، یکی از آژانسی‌های اکلیسی دو تاکوبل که اگذاری سامان زندگی شهری به شهرداران و شوراهای شهر بود، به خود جامه عمل پیوست. به نظر می‌رسد که فرانسه با تحقق این روابط فاصله چندانی ندارد. با اجرای سیاست‌های تمرکزدایی، به ویژه از سال 1982، روز به روز بر قدرت و اختیارات شهرداران تأکید شد و شهرهای فرانسه شهردارمحور شدند. از جمله اخبارات و اگذاری شده به شهرداری‌ها اداره امور فرهنگی است. به ویژه از زبان فرانسوی زبان رقابت شدید و البته ممکن بین شهرهای مختلف فرانسه انجاد شد. یکی از محورهای مهم این رقابت اجرای برنامه‌های فرهنگی است. مدیریت با معاونت فرهنگی شهرداری‌ها یکی از معاونت‌های مهم و حتی پرتره‌های در این کشور است و شهرداری‌ها با تخصص‌هایی که درجه‌های کافی و درخور توجه در پژوهش جشنواره‌ها و همایش‌های علمی با هم سخن درفاشند.
قدرت های محلی و فرهنگ در فرانسه

امروز شهر در فرانسه بر محور بنا بر تاریخی که نماد هر دوی بیشتر به شمار می‌آید و نخست‌گردن و با صرف هر چه بیشتر فرآیند به خشک می‌شود. کتاب‌خانه‌های متعدد و دوباره کتاب‌خانه‌های مرکزی وابسته به معاونت فرهنگی، آمیزه‌تناترا و سالن‌های سینما از مکان‌های هستند که زندگی شهری بر گرد آنها سامان یافته است. شهرداران حضر شهر می‌کوشند در یکی از عرصه‌های فرهنگی سرآمد دیگران شوند و برای خود همتی در جشنواره‌های سالانه و دوره‌الانه فرهنگی جست‌وجو کنند.

جشنواره‌های سینمایی کن، جشنواره فیلم‌های مستند کلی من فران، جشنواره سینمای تراپیک شرکتی، جشنواره تئاتر آوینیون و جشنواره‌های موسمی تابستانی در سیاری از شرکت هم‌نام از جنب جوش‌های فرانسیسکی بر محور شهرهای داده. نقطه آغاز سیاری از این جشنواره‌ها دهه نخست سال هستند، و علت دوره‌اول وارت زاد لانگ بوده است. شهرداری‌ها در سالانه‌های برنامه‌های فرهنگی حتی در اجرای فینالهای فرهنگی کشورهای خارجی نیز از استقلال کافی بروزدار شده‌اند (Donnart, 2003).

فرهنگی‌ها از افکار عمومی و نقش برنامه‌های فرهنگی در ایجاد همبستگی اجتماعی و ملی، در اینجا شد رهبران سیاسی هم با م venezuela شهرهای خود همراه شوند و در سالانه‌های برنامه‌های فرهنگی با حمایت سیاسی حضور رقابت کند (Jamet, Fossey, Pattyn, 2004).

توصیه برنامه‌های فرهنگی در شهرها به یک خواص عمومی تبدیل شده و سیاست‌های بیننیاز را بیان خواش‌ها مهار می‌کند. مهم‌ترین دلیل طرفداری توصیه برنامه‌های فرهنگی در شهرها این است که فرهنگ راه‌های است برای آشنا هم دو مفهوم مهم یعنی دموکراتیک فرهنگی و دموکراتیزه شده فرهنگ.

توسعه فرهنگ در شهرها پیل بین دموکراتیک فرهنگی و دموکراتیزه کردن فرهنگ سیاست فرهنگی در فرانسه از دو منظور اساسی از الیک فرانکه است. این دو مفهوم عبارتند از "دموکراتیک فرهنگی" و "دموکراتیزه کردن فرهنگ". این مفهوم‌های نخست بیشتر به

1. Démocratie culturelle et démocratisation de la culture
آزادی در عرصه فرهنگ تکیه دارد و مفهوم دوم بر مردمی شدن و مفهوم برای دومکراسی فرهنگی یک حس هنرمندان در بین آزادان دغدغه‌هایی دارند و به‌ایجاد
فضای آزاد و رقابتی‌ای می‌شود که دموکراتیک‌ترین فرهنگ تلاشی است
برای دسترسی همه مردم به آزادی‌های فرهنگی و هنری. نگاه نخست بیشتر به‌اهمیت گرفته‌ای از اندیشه‌های ایرانی‌ست این نگاه دوم ریشه در اندیشه‌های سوسیالیستی دارد. سازن
براین باور است که در فرانسه بیشتر نگاه دوم خود را در سیاست‌گذاری فرهنگی تحمل
کرده است. ولی سازگاری و آشتی بین این دو مفهوم نتهای خود را در شهرهای در جریان
مفهوم جدیدی به نام "توسعه فرهنگی" نوشته می‌دهد (44: Perret, Saez, 2004)
شهراهای فرانسه، در برخورد با توسعه فرهنگی، سه دوره مختلف را پشت سر
گذاشته‌اند. دوره نخست دوره هنرهای زیبا و ویژوکلیستی بیشتر فرهنگ اسک، در این
زمان می‌تواند، تأثیرگذار تأثیرگذار، شرکت‌های فرهنگی، و مشارکت‌های فرهنگی به‌عنوان
می‌آید و مختص بسیار به‌پر و اشراف‌اند. در جمهوری سوم و چهارم فرانسه، زندگی
فرهنگی در این کشور بی‌بیه و بی‌بینان می‌گذرش. در این روزگار مهرترین دل‌نشانی مداران
شهری آن زمان آراستن این مراکز فرهنگی به زبان‌های هنر معماری و نقاشی بود.
دوره دوم از نیستی دوره دوم بی‌بیه و بی‌بینان مرفیک و سازن
خواهان توجه بیشتر و روزافزون به فرهنگ بودند. انجمن‌های مختلف بر محرم این
درخواست تشکیل شدند. گروها و احزاب سیاسی آنچه در این دوران خواهان روز
جدی دولت و مدیران شهری به عرضه بودند، اما نامینگان و مدیران شهری هم چنان
با این خواسته و در‌ست به دیده تردد می‌نگریستند. این اصطلاح جدید که "هوادران
فرهنگی" نام گرفتن خواهان نقض آفرینی در این عرصه بودند.
دوره سوم، دوران سیاست‌گذاری و با مداخله دولت است. دولت با افزایش مدیران
فرهنگی با ابتکار و به‌نام هنر زندگی در تلاش است با بستن قرارداد بین عوامل کانون
\[1.\text{ Développement culturel} \]
قدرت‌های محلی و فرهنگ در فرانسه

فرهنگی، زندگی فرهنگی را در شهرها سامان‌ده. بیش‌از از 1946 به بعد، در شهرهای
بزرگ فرانسه مراکز دراماتیک محلی ساخته می‌شدند. بلدین تریب، ارتباط و همکاری
جدیدی با محوریت دولت بین مدارک مرتبط هنرهای زیبا، هواوانی فرهنگی و مدارک
شهری شکل گرفت (Rizzarda, 2005: 145).

ورود دولت به عرصه فرهنگ، با تشکیل وزارت خانهای به نام فرهنگ، نهادی‌نه شد.
یکی از نخستین اقدامات آن‌ها مالیو، وزیر فرهنگ دوگل، مجهز کردن شهرها به
تجهیزات و امکانات جدید بود. نخستین گام در این زمینه، تشکیل خانه‌های فرهنگ در
شهرهای مختلف بود. هدف اصلی از تشکیل این خانه‌ها، دموکراتیک‌کردن فرهنگ و
دسترسی عموم مردم به آفریده‌های فرهنگی و هنری است. هم‌چنین در محل‌های تازه
ساخت، مراکز جدید فرهنگی به نام مراکز اجتماعی فرهنگی ساخته شدند. این مراکز
همان‌گونه که از نامش پیداست، با هدف مقابله با آسیب‌های اجتماعی با استفاده از
ابزار فرهنگی ساخته شدند. با فعل شدن این مراکز فرهنگی و هنر در رشته‌های مختلف
فرصتی نازد برای توسعه یافت. البت‌های چگونگی اداره این مراکز در گیربکه‌های جدیدی بین
قدرت‌های محلی و محلی ایجاد کرد. (همان) این کشکش به سر این بود که چه کسی و
با چه اختیاراتی با یاد کارگزار امور فرهنگی باشد.

کارگزاران امور فرهنگ در شهرها

امور فرهنگی در شهرها آموزه‌های گوناگون مدیریت سیاسی سه‌دهت. نخستین
گروه مؤثر در امور فرهنگی در شهرها مدارک و کارکنان وابسته به شهرداری‌اند. در هم‌های
شهرداری‌ها مدیریت و یا معاونتی به نام معاونت امور فرهنگی پیش‌بینی شده که زیر
نظر شهردار و شهرداری شهر، مجزی اصلی برآمده‌های فرهنگی در شهر است. با توجه به
بودجه‌خوبی که این مدیریت در اختیار دارد و از آنجا که یکی از رقابت‌های مهم بین

1. Animation socioculturelle
شهرها اجرای برنامه‌های فرهنگی است. این مدیریت از اهمیت بسیاری برخوردار است.
مدیریت باعث شده می‌کوشد از رده‌های بالاتری، به‌ویژه مستوان دارآینده‌ها و مناطق
اعتبارات بیشتری برای امور فرهنگی جذب کند.
دوامین گروه از مدیران فرهنگی شهرها ویاژدگان دولت ملت‌اند که مهم‌ترین آن
در آن پاس 되ند. در این وظیفه مهم را به اجرای سیاست‌های سازمانی برده‌می‌دارند.
ابزاری از شهر و جهت و نظریه بر وفاداری شهرها به سیاست‌های گذشته‌است
و از سوی دیگر در تلاقی این تجربه‌های موفق محلی را در سطح ملی معرفی و آن‌ها
را به کلی کشور عمومیت بخشند.
هنرمندان خرده‌ای، استادان و مریمان، سوپریمان دسته از کارگران امور فرهنگی در شهرها را
تشکیل می‌دهند که به تاسیس شهر و بروزان در جایگاه بالایی بین مردم و مجریان
برخوردارند. در کار آن گروه، طرفداران و هنرمندان قرار دارند که آنها هم به‌وسیله انجمن‌ها
و هنردهی مدنی‌ای که تشکیل می‌دهند بر سیاست گذاری فرهنگی در شهرها تأثیر گذارند.
نام‌نام‌نام یا امور فرهنگی در منطقه که طرف قرارداد شهرها در پاره‌ای از برنامه‌های
فرهنگی آن گروه به‌وسیله هستند که در سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های فرهنگی در
شهرها ایفای نقش می‌کنند. این به‌وسیله‌ای آنها به مسیر می‌که خالی از
چشم‌پوشی و رفتاری نیست.
اما از دقت به‌شمار است تا تا توسه‌گردی مجازی گروه‌های مؤثر در اقتصاد فرهنگی
و هنر نیز به جمع کارگرانان در تاریک‌گذار در امور فرهنگی شهرها افزوده داده شده. این گروه به دلیل
تخصص و به‌وسیله نقش که در سرمایه‌گذاری به‌ویژه دیده‌شده از افرادی هنری دارند و
همچنین نقش مهمی که در توزیع دارند که از ارکان مدیریت امور فرهنگی را در دوران
معاصر تشکیل می‌دهند. شرکتهای پیش‌بینی‌فکری، مانند ام کادو از پیش‌بینی از شهرها
فرانسه حضور دارند و بدون همکاری آنها صنعت سینما دیدار مشکلی اساسی می‌شود.

1. MK2
به سوی فرهنگ شهرهای جدید

دولت شهرهای پوتوان بر محور مراکز سیاسی و اداری شکل می‌گرفت و فروهمای روم و پوتوان، که محل نشست و تصمیم‌گیری مجدد از مردم بود، مکان شهرهای پوتوان و روم به سهار می‌رفت. زندگی شهری در اروپا بعد از قرون وسطی نیز بر محور بنامهای باشکوهی به نام کاخ شهرداری شکل گرفت. رقابت شدیدی بین شهرهای مختلف برای ساختن بنایی محل به نام کاخ شهرداری وجود آمد؛ نتیجه این رقابت ساختمانهای زیبایی است که در نقطه صفر در شهر پا افتاد و زندگی شهری را تا گرد خود سامان دادند.

در روزگار کونونه تدریج فرهنگ جایگاهی باندی در زندگی شهری پیدا کرد و ساخت زیباترین و با شکوهترین بنامهای امروز بر محور فرهنگ است. نه قدرت سیاسی محلی، این بنامه هر که ساخته شونده به تدریج شهری جدید بر گرد آن شکل می‌گیرد. مراکز اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ‌های هنری، دور نا دور این بنامهای به حرکت را چون نگین فرا می‌گیرند. اگر شهرهای دیروز بر قدر کاخ‌های شهرداری بنا می‌شود، شاید بنوان گفت که شهر امروزی بر محور فرهنگ ساخته می‌شود و این شهرهای تازه را می‌توان به عنوان به جای دولت شهرهای گذشته فرهنگ شهر نامید.

1. FNAC
2. اگر چه نویسنده‌ای این اصطلاح را به کار نبرد ولی به نظر می‌رسد که واقعیت بسیاری از شهرها و محله‌های جدید فرانسه این مفهوم را برمی‌آورد.
یکی از درخواست‌های شهرهای مختلف، مقاعد کردن دولت ملی برای کمک به ساخت بنای‌های پرزگ فرهنگی با معماری‌های ویژه است. مقاعد و چشم‌های چشم‌پزشکی فراوانی بین شهرها در این باره به وجود آمده است، و بهتر مدیران محلی برای پیش‌بینی که ساخت بنای‌های مشابه و مراکز پرزگ فرهنگی، علایه بیشتر آثار فرهنگی و اجتماعی توسعه اقتصادی شهر را نیز به همراه خواهد داشت. شهر پاریس امر بی‌شماره موزه‌ها، زیورآلات و مراکز پرزگ فرهنگی لذت بخش خود می‌نماید. شهر ورسای بزرگ کاخ و ورسای زندگی می‌گذرانند. مردمان کلی را در موزه‌های زیبای خود فنر می‌فرودند. تقریباً هر شهر کوچکی با ساخت بنایی به کمک معماران پرزگ، برای خود شهرتی در سطح ملی و حتی اروپایی دست و پا کند. ایران جدید لیون، خانه‌های فرهنگ شهرهای مختلف و مراکز مختلف فرهنگی-هنری اجرا شده توسط معماران برجسته شهرهای مختلف همچنین جدید به این شهرها داده است. مقاعد در ساخت بنای‌های پرزگ تا بدانجا پیش رفتند که رؤسای جمهور این کشور نیز در تلاشند از خود بنایی فرهنگی و ماندگار بر جای گذاشته. گویی مردمان این دیار و مردان پرزگان ادامه زندگی و حیات خوشبختی را در ماندگاری بنای‌های پرزگ فرهنگی که از خود برجای می‌گذارند جست و جوی می‌کنند. کتابخانه ملی پاریس به کتابخانه متینان شهره است؛ موزه‌زارپرداز از بنای‌ها مشهور و مدرن پاریس به شمار می‌آید؛ زنگ شیراب نیز با ساخت موزه‌های هنرهای ابتدایی خود در نزدیکی برج ایفل نام خود را نا‌جا نگذشته. همان‌گونه که سازمان متعددی شده، این طرح‌های پرزگ فرهنگی محلی به تجهیزات بسیار پرزگ، با ۱۷ ت. ای.« معروف شده و شşıحت اساسی آن بیا قطاع‌های این سریال‌ها از روز درخور دنگ است. همان‌گونه که قطع پرسیره از هر شهری که به‌گذشت روی اقتصادی را برای آن شهر به ارگمان می‌آورد، تجهیزات فرهنگی هم قطع‌های پر از هزاران امید و آرزو برای توسعه شهرها هستند.

1. TGE
قدرت های محلی و فرهنگ در فرانسه

چنانکه پیشتر گفته شد، امور فرهنگی در گذشته در مراکز پر رزق و برق هنرهای زیبا جریان داشت. بهترین مراکز جدیدی در عرصه‌های مختلف در مراکز شهرها ایجاد شد و امور فرهنگی در پهنای گسترش‌تر جریان یافت. اما امروز رویکرد جدیدی بر سیاست‌گذاری فرهنگی شهرها حاکم شده و کمیک و بی‌پیش در سراسر این کشور دیده می‌شود. در این روزگار همگونی شهرها با استفاده از ابزارهای مختلف در تلاش‌ند تئاتری ZiBa از شهرنشین به دست دهند. زیباسازی جهان شهرهای اجتماعی، همیار محلی و رقابتهای بی‌دریگ شهرهای کشور و باعث شده رقابتهای ارتوپای برای جلب مردمگر شد در روزگار کنونی به‌عنوان وسیله تکمیلی اقتصادی و فرهنگی شهرهای فرانسه. برای افزایش مردمگر نیروی جز استفاده از فرهنگ و هنر نیست. برخی از گذشته که فرهنگ تنها در مراکز هنرهای زیبا و مراکز ویژه فرهنگی جریان داشت، امروز یکی از فرهنگ و هنر به تمام شهرها و همه مراکز پر رفت و آمد باشند. هم‌زمان امروز مراکز بزرگ اقتصادی در طراحی ساختمان جامع برای فرهنگ می‌اندیشند و بر این بودن که یکی از راههای جذاب مشتری برتر استفاده از ابزار فرهنگ و هنر است. ساختمان مراکز جدید منظوره فرهنگی در کنار مراکز تجاری، دفاتر مختلف مردمگر و بی‌پیش استفاده از فضای مجازی، خون فرهنگ را در گنجینه شهرها جاری ساخته و دوران جدیدی بی‌پیش با استفاده از دنبای مجازی به‌وجود آمده که قلبی‌ترین است.

رقابتهای فرهنگی و اقتصادی، روز به روز پیچیده می‌شود. دولت فرانسه اطلاعاتی این عرصه را به قدرت‌های محلی و اکثر کرده و در عمل از هزینه‌های کل‌ان فرهنگی به‌ین‌زان غشا با فرهنگی‌نیز تا اندازه زیادی رهایی پیدا است. با برخی‌ها شدن مرزها و ارتباطات، رقابتهای فرهنگی بین شهرها دیگر نیاز به شهرهای فرانسه نیست. و همه شهرهای اروپایی با هم سخت در رقابت‌ند. معنا این سخن، هزینه‌های روز به روز بهبود این رقابتهای توانایی شهرها تأمین هزینه‌های لازم است. همین امر موجب شد روش‌های بخشی و محلی در جویز
یک شهر جای خود را به نگاهی گسترشده‌تر در حوزه چگرایی‌های داده و شهرهای مختلف همکاری‌های جدیدی را برای ایجاد متروی فرهنگی مشترک آغاز کند. نتایج این همکاری، گرد آمدن بر محور یک شهر برگ و ایجاد یک قطب فرهنگی مشترک است.

بدهی ترتیب، همگونی شهرهای این منطقه دست به دست هم می‌دهند و با استفاده از امکانات محلی و بهره‌گیری از امکانات ارگانیسی می‌کوشند متروی فرهنگی خود را روپایی و هویت ملی خود را در این حوزه گسترش دهند و با تعریف کندند. متروی های جدید، فرهنگ شهرهای بزرگی هستند که امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بر گرد فرهنگ سامان داده‌اند.

نتیجه‌گیری

براساس سنتر دیرینه فرانسوی، دولت نقش مهمی در سیاست‌گذاری فرهنگی دارد. دولت نعیمی کننده سیاست‌های کلی در عرصه‌های مختلف فرهنگی بود و این سنت بود که سال‌ان در این کشور وجود داشت. اما با اکثری میدریت امور فرهنگی به قدرت‌های محلی به تدریج از قدرت پارس و دولت ملی دیگر در این عرصه ریز کاسته شد؛ چنان که رنریوزاردو می‌گوید: \("امور دیگر نمی‌توان پارس را مرجع امور فرهنگی در فرانسه دانست\) (Rizzardo, 2005: 144).

واگذاری امور فرهنگی به قدرت‌های محلی از سال‌های بنگاه آغاز شد. این واگذاری یا به بیانی دیگر تمرکزداشتی در امور فرهنگی، نخست با تمرکزداشتی در امور تمایل آغاز شد. با تشکیل وزارت‌خانه‌ای به نام فرهنگ توسط آن دره مالو مورد کردن فرهنگ و تمرکزداشتی شتاب بیشتری یافت.

دولت‌ها نخست با پرداخت باره به قدرت‌های محلی و سپس با بستن قراردادهای مختلف، به تدریج اختیارات فراوانی به قدرت‌های محلی داده شد. براساس قانون

1. René Rizzardo
قدرت های محلی و فرهنگ در فرانسه

تمکرکذدایی ۲۲ زوئه‌ی ۱۹۸۳، اداره‌ی امور فرهنگی در سطح وسیعی به قدرت‌های محلی واگذار شد. براساس این قانون، تطبیقات محلی مراکز جهانی‌ها که پیشتر به دولت مركزي تعلق داشت به دیپارتمان و واگذار شدند. به موجب همین قانون، مراکز استان مناطق هم به شورای مناطق تعلق یافت و از مدیریت و مالکیت دولت مركزي خارج شدند.

به موجب قانون ۱۳ اوت ۲۰۰۳، بناهای تاریخی که در زمره میراث فرهنگی فرانسه محسوب می‌شدند و مدیریت آن در اختیار نماینده دولت مركزي می‌گرفتند، قدرت‌های محلی این امکان را پیشنهاد داشتند که این بناها به اختیار گیرند. ناگفته نماند که بسیاری از مشکلات دولت فرانسه نگهداری و مرمت بناهای تاریخی فرانسه است که در این کشور ثبت شده‌اند؛ به همین دلیل دولت مركزي در واگذاری این بناها به قدرت‌های محلی از اینگونه کافی برخوردار است و این تصمیم تنها برای افزایش قدرت محلی نیست، اگرچه طبعاً این نتیجه را به دنبال دارد.

براساس قانون ۱۹۸۳، آموزش‌های موسیقی، رقص و هنرهای دراماتیک بین لایه‌های مختلف قدرت‌های محلی تسریع شده است. آموزش‌های مقدماتی به شهرها (کمون) واگذار شد. آموزش‌های این را به توسعه دیپارتمان مربوط می‌شود عهده دارند. آموزش‌های پیشرفته و حرفه‌ای نیز بر عهده مناطق گذاشته شدند. در همه این موارد دولت با قدرت‌های محلی قرارداد می‌بیند و به‌جایی لازم را بر اساس این قراردادها در اختیار قدرت‌های محلی قرار می‌دهد.

براساس قانون ۱۹۹۲، قدرت‌های محلی اجازه‌ی پیشنهاد روابط بین ایالات، از جمله در امور فرهنگی در اختیار خود گرفتند. نماینده دولت در این خصوص بر اساس قانون تراکم‌زاپیشی است؛ اما بین لایه‌های مختلف قدرت‌های محلی، پیشنهادات اختیارات به شهرداری‌ها واگذار شده و یکی از آزمایش دیدرین آلمانی‌ها دو تولید پای‌محورشدن شهرها در امور فرهنگی جامعه عمل پوشیدند. با توجه به نقش که فرهنگ در ایجاد همبستگی اجتماعی و توسه اقتصادی و اجتماعی شهرها
دارد، به تدریج چایگاه بلندی در ساماندهی شهرها بافت تا آنجا که امروز روبه‌ای فرهنگ را در تمام بخش‌های مختلف زندگی مردم می‌توان دنبال کرد. اهتمام به فرهنگ در شهرها و سهیم شهیر بر محور فرهنگ بده که گونه‌ای است که می‌توان شهرهای امروز را "فرهنگ شهر" نامید.
- Donnat, O., Tolila, P., (2003). Le(s) public(s) de la culture, Paris: Presses de Sciences Po.
tutelle du ministère de la culture, histoire administrative, Paris: La Documentation Française.